

## بازنمایی آداب همسری در قرآن با تأکید بر سیر نزول آیات

طاهره سترگ<sup>۱</sup>، محمدعلی مهدوی راد<sup>۲</sup>، مجید دهقان<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازنمایی آداب همسری در قرآن کریم (با تأکید بر سیر نزول آیات) به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. بدین ترتیب با استنباط مسائل حقوقی و اخلاقی در همسرمداری و توجه به میزان تکرار و سیر ترتیب آنها در آیات مکی و مدنی ساختاری نو شناسایی شد. استنباط این ساختار با اتکا بر سیاق آیات و روایاتی که در مقام تفسیر آیات اند، انجام شد. نتایج بررسی ها نشان داد که سوره های قرآن دارای پیوستگی های ساختاری و ادبی شامل حسن آغاز، سجع، تشبیه، تصویرپردازی های ادبی، لحن و ریتم مشترک است. بررسی ساختاری و محتوایی آیات نشان داد که سوره های مکی از نظر آداب همسری دارای پیوستگی های محتوایی مثل طرح زوجیت و ارزش گذاری آن، نعمت شمردن همسران برای یکدیگر و تأکید بر رعایت تقوای الهی نزد همسران است و سوره های مدنی دارای آیاتی مشابه مربوط به زنان و آداب همسری است که شامل رعایت حقوق مادّی زن مثل مالکیت مهر و ارث، دادن هدیه در مواقع خاص از جمله هنگام طلاق، مراعات حال زن در جایگاه همسر، تسهیل در مسائل همسر و حمایت از وی می باشد.

**واژگان کلیدی:** آداب همسری در قرآن، پیوستگی شبکه ای، سیر نزول قرآن،

آیات مکی، آیات مدنی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵  
۱. دکترای مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث شهری، تهران، ایران / طلبه سطح چهار تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی کوثر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Tahaset21@gmail.com

۲. دانشیار قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشگاه پردیس فارابی قم، قم، ایران.

Email: shahidi@ut.ac.ir

۳. استادیار فقه و حقوق، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده، قم، ایران.

Email: dehghan@wrc.ir

## The Representation of Marriage Etiquette in Quran with an Emphasis on the Flow of Revelation of Verses

Tahereh Setorg<sup>1</sup>, Mohammad Ali Mahdavidad<sup>2</sup>, Majid Dehghan<sup>3</sup>

This descriptive-analytical research aimed to represent the marriage etiquette in the Holy Quran (with an emphasis on the flow of revelation of verses); thus, a new structure was identified by extracting the jurisprudential and moral issues in the marriage and paying attention to the rate of their repetition and the flow of their order in the Maki and Madani verses. The extraction of this structure was based on the style of the verses and the narratives that interprets them. The findings showed that the Quranic verses have structural and literary continuities including good beginning, rhyme, similarity, literary imagery, tone, and common rhythm. In the case of the structure and content of verses, the Maki Surahs concerning the marriage etiquette have content continuities such as the design of marriage and its evaluation, knowing that spouses are a blessing to each other, and emphasizing that the observance of divine piety is between couples. Moreover, the Madani Surahs have the similar verses relating to the women and marriage etiquette such as observing the woman's material rights, like the ownership of dowry and inheritance, giving gifts on special occasions like divorce, observing the woman's status as a wife, facilitating the wife's affairs, and supporting her.

**Keywords:** marriage etiquette in Quran, network continuity, the flow of revelation of Quran, Maki verses, Madani verses.

---

### Paper Type: Research

Data Received: 2020/07/29      Data Revised: 2020/10/02      Data Accepted: 2020/10/26

1. Ph.D. in Teaching Knowledge in the Field of Quran and Texts, Quran and Hadith University of Shahr-e-Ray, Tehran, Iran / Fourth Level Graduate in Comparative Interpretation, Kowthar University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
Email: tahaset21@gmail.com

2. Associate Professor of Quran and Hadith, Faculty Member of Farabi Campus-University of Tehran, Qom, Iran.  
Email: shahidi@ut.ac.ir

3. Assistant Professor of Jurisprudence and Law, Faculty Member of Woman and Family Research Center, Qom, Iran.  
Email: dehghan@wrc.ir

## ۱. مقدمه

مقاله حاضر با هدف تبیین دیدگاه نظام‌مند دین‌پیرامون مسائل همسران، فهم حمایت‌های قرآن از زنان براساس سیر نزول را بررسی می‌کند. گروهی از مفسران تنزیلی تأکید می‌کنند که با تفسیر همگام با نزول می‌توان به یافته‌های مهمی در شناخت سیر تغییر و تحول مخاطبان، جامعه و چگونگی حل بحران‌های فرهنگی امروزی دست یافت. با توجه به سخن بزرگان، آگاهی از مکی و مدنی بودن سوره‌ها و ترتیب نزول آنها بسیار مؤثر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۳/۲۳۵) هدف اصلی نگارش مقاله حاضر اثبات تناسب میان سوره‌های نازل شده در ترتیب نزولی به روش تحلیل محتوا و سپس بیان نتایج حاصل از آنها به صورت توصیفی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در پاسخ به ایرادات کسانی است که رویکرد مردسالارانه‌ای را به قرآن نسبت می‌دهند. تعداد کل سوره‌های مکی قرآن ۸۶ سوره است که در ۳۱ سوره، آیات مربوط به سیاست همسری زن آمده است که نسبت به کل سوره‌های مکی ۲۶٪ سوره‌ها را تشکیل می‌دهد. تعداد کل سوره‌های مدنی قرآن ۲۸ سوره است که ۱۳ سوره، حاوی آیات مربوط به سیاست همسری زن است که نسبت به کل سوره‌های مدنی ۳۰٪ سوره‌ها را تشکیل می‌دهد. سوره‌های مکی ۵۶ آیه و سوره‌های مدنی ۶۷ آیه است.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

### ۱-۲. رویکرد تنزیلی

واژه تنزیل پانزده بار در قرآن به کار رفته است که براساس باور قرآن‌پژوهان و مفسران در شش مورد آن، مراد قرآن کریم است و در موارد دیگر نیز واژه تنزیل با قرآن مرتبط است، اما نه به گونه‌ای که بتوان آن را اسم تلقی کرد بلکه در آن موارد بیانگر چگونگی این کتاب است و حالت وصف دارد. (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲) اصطلاح تنزیل براساس روایتی از امام باقر علیه السلام بیان شده است: «قرآن، دارای تنزیل و تأویل است و تنزیل قرآن افرادی هستند که نزول آیه، درباره آنها بوده است» (صفا، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۲۰۳). قرآن ناظر به زندگی مردم نازل شده، به مناسبت زندگی با مردم، تغییر را رقم زده است. سیر نزول تدریجی قرآن نیز همین است و متن قرآن، متنی

ناظر به واقع است (بهجت پور، ۱۳۹۳، ۴۴). بسیاری از روایات رسیده از معصومان عليهم السلام و نیز صحابه و تابعان در اسباب نزول، برای شناساندن افرادی است که مورد اشاره قرآن بوده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۰۱/۳).

خداوند متعال یکی از حکمت‌های نزول تدریجی قرآن را قرائت همراه با درنگ بر مردم می‌داند: «و قرآنی (باعظمت را) بخش بخش (بر تو) نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی» (اسرا: ۱۰۶). خواندن قرآن همراه با درنگ، قواعد تربیتی دارد و جان مردم را برای اخلاقیات و رفتار مطلوب قرآن آماده می‌کند. پیگیری مباحث در قرآن از سوی پروردگار، دستیابی به رابطه آیات در سوره‌های گوناگون و تناسب معنایی آنها را ممکن کرده است. در استخراج ترتیب مکی و مدنی بودن سوره‌ها در نوشتار حاضر، از نظر مشهور و دیدگاه مرحوم دکتر محمود رامیار و مرحوم آیت الله محمدهادی معرفت تبعیت شده است (رامیار، ۱۳۷۹؛ معرفت، ۱۳۸۶/۱، ۱۳۴؛ معرفت، ۱۳۷۷).

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### جدول ۱

ترتیب سوره‌های مکی و آیات مربوط به موضوع آداب همسری

ردیف	ترتیب نزول	سوره	آیه	مکی / مدنی	موضوع
۱	۷	التکویر	۷	در مکی یا مدنی یا هر دو بودن آن اختلاف است	سوگند به ازدواج
۲	۹	اللیل	۳	با روایاتی گفته‌اند مدنی است	سوگند به زوجیت
۳	۱۰	الفجر	۳	قول ضعیفی است که مدنی است	سوگند به زوجیت
۴	۲۳	النجم	۴۵	با روایات شأن نزول گفته‌اند مدنی است	پیدایش زوجیت
۵	۲۴	عبس	۳۴ ۳۶ ۳۷ ۳۵	با روایات شأن نزول گفته‌اند مدنی است	فرار مرد از همسر در قیامت
۶	۳۱	القیامت	۳۹	با روایات بی پایه گفته‌اند مدنی است	خلقت انسان با وصف زوجیت
۷	۳۸	ص	۵۲	نقل ضعیفی است که مدنی است	ویژگی همسران بهشتی، بحث حیا و عفت
۸	۳۹	الأعراف	۱۹	نقل ضعیفی است که مدنی است	سکونت آدم و همسرش در بهشت
۹	۳۹	الأعراف	۲۰	نقل ضعیفی است که مدنی است	وسوسه شیطان به آدم و همسرش
۱۰	۳۹	الأعراف	۲۱	نقل ضعیفی است که مدنی است	سوگند خیرخواهی شیطان
۱۱	۳۹	الأعراف	۲۲	نقل ضعیفی است که مدنی است	خطاب خداوند به آدم و همسرش
۱۲	۳۹	الأعراف	۲۳	نقل ضعیفی است که مدنی است	درخواست توبه آدم و همسرش

هبوط آدم و همسرش به زمین	نقل ضعیفی است که مدنی است	۲۴	الأعراف	۳۹	۱۳
زندگی و مرگ و رستاخیز آدم و همسرش	نقل ضعیفی است که مدنی است	۲۵	الأعراف	۳۹	۱۴
اهمیت نقش زنان به عنوان همسر	نقل ضعیفی است که مدنی است	۸۱	الأعراف	۳۹	۱۵
هلاکت همسر لوط، نجات خانواده لوط	نقل ضعیفی است که مدنی است	۸۳	الأعراف	۳۹	۱۶
وجود همسر صالح مایه آرامش	نقل ضعیفی است که مدنی است	۱۸۳	الأعراف	۳۹	۱۷
خلق زوجیت زوجیت عامل آرامش انسان	نقل ضعیفی است که مدنی است	۱۸۹	الأعراف	۳۹	۱۸
آنان و همسرانشان در بهشت	نقلی بی‌ناقلی می‌گوید مدنی است.	۵۶	یس	۴۱	۱۹
تعهد در برابر همسر	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۷۴	الفرقان	۴۲	۲۰
آفرینش زوج برای انسان از الطاف الهی	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۱۱	فاطر	۴۳	۲۱
ارزشمند بودن همسران به خاطر عقل، کمال و جمال	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۳۴	الواقعه	۴۶	۲۲
ارزش‌گذاری قانون زوجیت	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۷	الشعراء	۴۷	۲۳
توجه به نیازهای همسر	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۱۶۶	الشعراء	۴۷	۲۴
دعای شوهر در حق اهل و عیال	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۱۶۹	الشعراء	۴۷	۲۵
همسر برای آرامش	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۵۵	النمل	۴۸	۲۶
القای راه درست توسط همسر	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۹	القصص	۴۹	۲۷
مرد، مسئول رفع نیازمندی‌های همسر	ضحاک باتوجه به آیات پایانی گفته است که مدنی است	۲۹	القصص	۴۹	۲۸
لزوم حضور زن به عنوان همسر	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۷۱	هود	۵۲	۲۹
نادرستی افشای سر همسر	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۸۱	هود	۵۲	۳۰
قدرت شهوت و اسارت همسر	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۲۳	یوسف	۵۳	۳۱
خودداری از توبیخ جدی همسر با طلاق، رسوایی یا کشتن	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۲۹	یوسف	۵۳	۳۲
خطاهای افراد خانواده منتسب به مرد	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۳۰	یوسف	۵۳	۳۳
تنبه و بیداری هسر	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۵۱	یوسف	۵۳	۳۴

اختیار همسر	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۶۰	الحجر	۵۴	۳۵
محشور شدن جهنمیان با همسرانشان	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۲۲۲۳	الصفافات	۵۶	۳۶
همسران چشم از غیر فروبندند	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۴۸	الصفافات	۵۶	۳۷
زنان بهشتی، زیبا، پاک، عقیف و پوشیده	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۴۹	الصفافات	۵۶	۳۸
ارزش‌گذاری قانون زوجیت	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۱۰	القمان	۵۷	۳۹
نعمت بودن زوجیت	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۶	الزمر	۵۹	۴۰
حفظ فروج از نشانه‌های همسر شایسته	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۶	غافر (المؤمن)	۶۰	۴۱
در بهشت بودن صالحین با همسران شایسته	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۸	غافر	۶۰	۴۲
نااهلی همسر موجب قهر الهی	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۲۷	غافر	۶۰	۴۳
نعمت بودن همسران	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۱۱	الشوری	۶۲	۴۴
ورود بهشتیان با همسران صالحشان	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۷۰	الزخرف	۶۳	۴۵
واسطه بودن خدا در ازدواج بهشتیان	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۵۴	الدخان	۶۴	۴۶
زوجیت نشان عبرت	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۴۹	الذاریات	۶۷	۴۷
نعمت بودن همسران لطف الهی در سختی داشتن همسران	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۷۲	النحل	۷۰	۴۸
رفع نازایی همسر با دعا	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۹۰	الأنبياء	۷۳	۴۹
فداکردن همسر برای نجات خود	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۱۲۱۱	المعارج	۷۹	۵۰
زوجیت نشان عبرت	در روایتی ضعیف از ابن عباس گفته شده است که مدنی است	۸	النبأ	۸۰	۵۱
نقش همسر در آرام بخشی زوجیت نشان خدای متعال	قول ضعیفی می‌گوید مدنی است	۲۱	الروم	۸۴	۵۲

### ۳-۱. تحلیل آیات مکی

در موارد فوق چنین به نظر می‌رسد که خدای متعال ابتدا مفاهیم کلیدی تحول در همسری را با نمونه‌هایی مانند تأکید اولیه بر زوجیت با بیان سه بار سوگند بر آن و پیدایش آن مطرح کرده است. امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه: «وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ» فرمود: «اهل ایمان با همسران بهشتی و اهل دوزخ با شیطان قرین می‌شوند» (تفسیر قمی، ۲/۴۰۷ به نقل از طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۰/۳۹۸). این نوع تکرار نشان از تناسب مضمونی و موضوع مشترک (معرفت، ۱۳۷۳) میان سوره‌های آغازین از آیات مکی است؛ یعنی صرف تکرار مضمونی مشابه در جستن ارتباط و پیوستگی کفایت می‌کند. ایشان به رعایت اخلاق و تقوای الهی در برابر همسر توصیه می‌کند و با اشاره به واقعیت تاریخی حضرت آدم و حوا علیهم السلام و تصویرپردازی انتقال از آینده به گذشته، خصوصیات و آثار ازدواج و زوجیت مانند مودت، رحمت و انس، تشکیل نظام خانواده، فرزند و بقای نسل، همخوانی با فطرت و انسانیت را بیان می‌کند.

امام صادق علیه السلام در فلسفه تحریم لواط فرمود: «لواط، علاقه خانوادگی میان زن و شوهر را کم، نسل و فرزند را منقطع و آمیزش جنسی طبیعی را از بین می‌برد و فسادهای بسیار زیادی به دنبال دارد». (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۴/۲۵۲) در آیات قرآن، آفرینش زوجین برای یکدیگر از مواهب و عطیه الهی شمرده شده است (ر.ک.، فاطر: ۱۱)، سپس این ارزشمندی، مواهب عطا شده را براساس عقل، کمال و جمال آنها فرامی‌خواند (ر.ک.، واقعه: ۳۴) که موارد اخیر با استفاده از غرض مشترک (در غرض مشترک صرف تکرار مضمونی مشابه مبنا و ملاک قرار می‌گیرد) در آیه دیگر براساس تعهد حقوقی با تکرار بر پیدایش زوجیت (ر.ک.، شعراء: ۷) پیوستگی ساختاری حفظ و نادیده گرفتن نیازهای همسر ممنوع اعلام شده است (ر.ک.، شعراء: ۱۶۶).

در ادامه با انتقال از آینده به گذشته با اشاره به زشتی همجنس‌گرایی، این امر را نشان از جایگاه زن در زندگی می‌داند (ر.ک.، نمل: ۵۵) و با توجه به انفعال مردم، به سؤال‌ها و شبهه‌های پیش رو پاسخ داده و تا نهادینه شدن هریک از عناصر فرهنگی در بین مردم و جامعه و با اتمام حجت با مخالفان تعقیب کرده است. برای مثال اشاره می‌کند که با طرح پیشنهادات صحیح و سریع از القای طرح‌های انحرافی جلوگیری شود و در برخورد با منکرات، ابتدا از راه عاطفه وارد شده و سپس امر و نهی مطرح شود (ر.ک.، قصص: ۹).





در آیه بعد با بیان موضوع مشترک (موضوع مشترک، یکی از روش های پیوستگی شبکه ای است که بر دو پیش فرض استوار است: یکی موضوعات مختلف طرح شده در یک سوره در خدمت هدف اصلی آن سوره است، دوم اینکه تکرار مضامین به ظاهر یکسان در قرآن، ارتباط مستقیمی با موضوع اصلی سوره یا سوره هایی دارد که در آن ذکر شده است مانند پرداخت های مختلف داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در سوره های مختلف، مرد را مسئول رفع نیازمندی های همسر خود می داند.

سپس با بیان همسانی در مصداق<sup>۱</sup>، ورود بهشتیان با همسران صالحان به بهشت و بهره مندی از نعمت های آن را مطرح می کند (ر.ک. زخرف: ۷۰)، برهنگی در بهشت را ارزش نمی داند (ر.ک. دخان: ۵۴) و بعد از تأکید بر غرض مشترک، زوجیت را نشان عبرت (ر.ک. ذاریات: ۴۹) و دوباره همسر و فرزند را از نعمت های الهی می داند و از الطاف و حکمت های الهی، سنخیت میان زن و شوهر را بیان می کند.

در پایان آیات مکی با توجه به سیاق آیات<sup>۲</sup> که گویی جملات متناوب کنار هم هستند با بیان اینکه زوجیت نشان عبرت (ر.ک. نبا: ۸) است، می گوید که همسر باید عامل آرامش باشد: «لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و هدف از ازدواج نیز تنها ارضای غریزه جنسی نیست بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است (ر.ک. روم: ۲۱). مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: «مودت همان محبت درونی است به شرط اینکه اثر محبت به ظاهر انسان تراوش کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۶/۳۵۰). رحمت نیز در این آیه به معنای رقت و مهربانی (قرشی، ۱۳۸۶، ۴/۶۹) و عاطفه ورزیدن است؛ رقت قلب و انعطافی که مقتضی تفضل و احسان و مغفرت است (شرتونی لبنانی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۳۹۶). از این رو، وجود مودت و رحمت برای روابط سالم همسران، حیاتی است و تا وقتی آرامش میان آن دو فراهم نشود مودت و رحمتی نیز پدیدار نمی شود (سترگ، ۱۳۹۶).



۱. پیوستگی از جنس نظائر معنوی یا مشابهت مفهومی است که گویا دو یا چند آیه از نظر محتوا و معانی، یکسان تلقی می شوند یا به صورت همسانی در مصداق است که می توان با جست و جوی مصادیق یکسان در آیاتی که لفظ مشترکی میان آنها نیست بین دو آیه ارتباط برقرار کرد. (میرحسینی، ۱۳۹۸)

۲. سیاق، یکی دیگر از موارد پیوستگی شبکه ای قرآن کریم است که بسیار بر آن تکیه می کنند و شامل سه قسم است: نخست سیاق کلمات (یعنی به دنبال هم آمدن کلمات در ضمن یک جمله)؛ سیاق جمله ها (یعنی، قرینه شدن یک جمله برای جمله ای دیگر در همان آیه) و سیاق آیات (یعنی، آیاتی که همراه با کلمات پیشین یا پسین خود، تنها یک جمله را تشکیل می دهند). (میرحسینی، ۱۳۹۸)



## موضوع و ترتیب سوره‌های مدنی و آیات مربوط به موضوع آداب همسری

ردیف	ترتیب نزول	سوره	آیه	مکی / مدنی	موضوع
۱	۸۷	البقره	۱۸۷	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	کفویت همسران و پوشش دهی عیوب یکدیگر
۲	۸۷	البقره	۲۲۱	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	اصالت ایمان در انتخاب همسر
۳	۸۷	البقره	۲۲۲	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	احکام مرتبط با زنان براساس حفظ مصالح و دفع مفاسد است. وجود حدود و مرز در نزدیکی با همسر
۴	۸۷	البقره	۲۲۳	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	سلامت همسر، شرط طهارت نسل
۵	۸۷	البقره	۲۲۶	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	بازگشت به زندگی به جای طلاق، رمز دریافت مغفرت و رحمت خداوندی
۶	۸۷	البقره	۲۲۷	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	بلا تکلیف گذاشتن همسر ممنوع
۷	۸۷	البقره	۲۲۸	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	اولویت در ادامه زندگی با شوهر اول، اصل بودن حسن نیت در رجوع و مراعات عدالت در برخورد با زن
۸	۸۷	البقره	۲۲۹	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	جواز طلاق رجعی تنها برای دو بار
۹	۸۷	البقره	۲۳۰	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	محدودیت مرد در اختیارات طلاق
۱۰	۸۷	البقره	۲۳۱	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	عدم اضرار همسر به زنان با طلاق ندادن ایشان رعایت تقوا نسبت به زنان
۱۱	۸۷	البقره	۲۳۲	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	محترم بودن رأی زن مطلقه در انتخاب شوهر و رضایت طرفین، شرط اصلی ازدواج
۱۲	۸۷	البقره	۲۳۳	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	عدم اضرار فرزند به زن و مشورت با همسر
۱۳	۸۷	البقره	۲۳۴	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	وجوب نگهداری عده بعد از فوت شوهر و عدم دخالت بستگان شوهر در تصمیمات زنان بیوه
۱۴	۸۷	البقره	۲۳۵	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	توجه به زمان و حالات در طرح پیشنهادات به زن بعد از فوت شوهر
۱۵	۸۷	البقره	۲۳۶	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	ظهور طلاق در فضای خیرخواهی، وجوب تعیین و پرداخت مهر بر مرد، جبران طلاق با هدیه، حفظ انصاف و عدالت از سوی مرد و زن و احترام به شئون اجتماعی همسر
۱۶	۸۷	البقره	۲۳۷	یعقوبی می‌گوید اولین سوره، مدنی است	عفت کلام در گفت‌وگو درباره مسائل زناشویی خانواده و عفو و گذشت از سوی مرد و زن

۱۷	۸۷	البقره	۲۴۰	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	وصیت بخشی از مال مرد برای همسرانشان و تأمین آینده زنان بیوه
۱۸	۸۷	البقره	۲۴۱	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	به وقوع طلاق قبل از آمیزش، لزوم پرداخت تمام یا نصف مهریه به همراه هدیه ای جداگانه
۱۹	۹۰	الاحزاب	۴	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	عدم امکان جمع بین دو اعتقاد متنافی و دور آری متناقض
۲۰	۹۰	الاحزاب	۲۸	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	زن آزاد است در انتخاب زندگی ساده یا راه دیگر طی کردن راه جدایی با نیکویی
۲۱	۹۰	الاحزاب	۲۹	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	لزوم نیکوکاری و ساده زیستی در همسران (به ویژه همسران پیامبران)
۲۲	۹۰	الاحزاب	۳۰	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	سنگینی کیفر همسران مسئولین
۲۳	۹۰	الاحزاب	۳۷	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	عدم تسریع در امر جدایی و کنایه گویی مسائل زناشویی
۲۴	۹۰	الاحزاب	۵۰	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	وجوب پرداخت مهریه توسط مرد
۲۵	۹۰	الاحزاب	۵۱	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	روشنی چشم همسر با نداشتن غم و رضایت قلبی در همه روزهای زندگی با مرد
۲۶	۹۰	الاحزاب	۵۲	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	محدودیت تعدد همسر
۲۷	۹۱	الممتحنه	۱۰	یعقوبی می گوید اولین سوره، مدنی است	رفع نیاز غریزی و عاطفی زن با فرمان «تتحکهن» و رفع نیاز مالی زن با فرمان «أجوزهن»
۲۸	۹۲	النساء	۳	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	اصل بودن تمایل قلبی در انتخاب همسر و تعدد همسر مشروط به عدالت و چهار همسر دائمی
۲۹	۹۲	النساء	۴	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	وجوب پرداخت مهریه توسط مرد، مهریه، نشانه صداقت مرد در علاقه به همسر و مهریه، هدیه مرد به همسر
۳۰	۹۲	النساء	۱۱	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	سهم الارث قراردادن برای زنان
۳۱	۹۲	النساء	۱۲	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	طرح ارث زن و شوهر، سهم الارث زنان ربع ترکه مردان بی فرزند و سهم الارث زنان هشت یک مردان با فرزند
۳۲	۹۲	النساء	۱۹	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	حرام بودن بازپس گرفتن مهریه با زور و اجبار، سخت گیری مرد نسبت به زن فقط در صورت در معرض بی عفتی قرار گرفتن
۳۳	۹۲	النساء	۲۰	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	عدم مانع در تعیین مقدار مهریه طلاق به دست مرد و منع ازدواج دوم به قیمت ضایع کردن حق همسر اول
۳۴	۹۲	النساء	۲۱	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	عدم پس گرفتن مهریه به ناحق و مهریه حقی برای زنان



۳۵	۹۲	النساء	۲۴	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	منع ازدواج با زنان شوهردار، وجوب پرداخت مهریه توسط مرد و شرط رضایت طرفین در مهریه
۳۶	۹۲	النساء	۲۵	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	عدم مانع در ازدواج و ایمان ظاهری، شرط اساسی هر ازدواج، میزان مهریه براساس عرف و شئون زن، شرط بقای ازدواج، پاکدامنی، دوری از فحشا و روابط نامشروع
۳۷	۹۲	النساء	۳۴	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	نشانه شایستگی زن، اطاعت و تواضع نسبت به شوهر، نشانه همسر شایسته، حفظ خود در غیاب شوهر، اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد، ممنوعیت مرد بر آزدن همسر مطیع، مطیع کردن زن طرق مختلف، ارزش بودن تواضع زن، رازداری، حفظ مال و آبرو و ناموس شوهر در غیاب از نشانه‌های همسر شایسته، برخورد با منکرات زن به صورت مرحله‌ای، منع برخورد با زن به خاطر انتقام
۳۸	۹۲	النساء	۳۵	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	شقاق بین زن و شوهر، تسریع برای اصلاح میان زن و شوهر، مسئولیت جامعه در برابر اختلافات خانواده، حق یکسان زن و مرد در انتخاب داور
۳۹	۹۲	النساء	۴۳	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	کفایت تیمم از غسل پس از نزدیکی با زنان با رویکرد تسهیلی
۴۰	۹۲	النساء	۱۲۸	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	گذشتن از حق شخصی به خاطر حفظ خانواده
۴۱	۹۲	النساء	۱۲۹	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	حرام بودن بلا تکلیف گذاشتن زن، رعایت عدالت در برخورد با همسران
۴۲	۹۲	النساء	۱۳۰	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	گام اول: اصلاح و تقوا (آیه قبل)، گام آخر: جدایی و طلاق
۴۳	۹۲	النساء	۱۴۱	نحاس مکی بودن آن را پنداشته است	ممنوعیت ازدواج کافر با زن مسلمان
۴۴	۹۶	الرعد	۲۳	باتوجه به محتوا گفته‌اند، مکی است	ورود بهشتیان با همسران صالحان
۴۵	۹۶	الرعد	۳۸	باتوجه به محتوا گفته‌اند، مکی است	همسررداری انبیا
۴۶	۹۷	الرحمن	۷۰	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است.	خیرات حسان بودن زنان دنیایی، زنان بهشتی هم نیکوسیرت و هم نیکوصورت
۴۷	۹۹	الطلاق	۱	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	منع منت‌گذارن و منت‌کشیدن توسط همسران
۴۸	۹۹	الطلاق	۲	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	گواهی دو شاهد عادل بر طلاق
۴۹	۹۹	الطلاق	۳	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	مراعات تقوا توسط همسران و نزول لطف ویژه الهی

۵۰	۹۹	الطلاق	۴	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	نیاز به تقوا در مسائل خانوادگی و مراعات حقوق همسر (به‌ویژه در شرایط طلاق و جدایی)
۵۱	۹۹	الطلاق	۵	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	ساده ننگاشتن دستورات الهی در مسائل خانوادگی
۵۲	۹۹	الطلاق	۶	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	تأمین مسکن زن حتی بعد از طلاق، توجه به آرامش زن در انتخاب مسکن
۵۳	۹۹	الطلاق	۷	عبدالله بن زبیر گفته است مکی است	ملاک در میزان هزینه زندگی، توان مالی مرد، واجب‌التفقه بودن زن طلاق داده شده تا مدتی
۵۴	۱۰۲	النور	۴	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	کیفر سخت‌تر برای تهمت‌زدن به زنان همسر دار
۵۵	۱۰۲	النور	۶	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	اثبات زنا، همسر، چهار سوگند و یک لعنت، به جای چهار شاهد
۵۶	۱۰۲	النور	۷	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	محدودیت آوردن اجرای لعان و سوگند خوردن
۵۷	۱۰۲	النور	۸	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	دفع عذاب (سنگسار) از زن با چهاربار قسم خوردن به خدا
۵۸	۱۰۲	النور	۹	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	نافع بودن اجرای قوانین و دستورات خداوند
۵۹	۱۰۲	النور	۲۶	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	زنان بدکار و ناپاک، شایسته مردان ناپاک، مردان زشت‌کار و ناپاک، شایسته زنان ناپاک، زنان پاکیزه‌نیکو، لایق مردان پاک، مردان پاکیزه‌نیکو، لایق زنان پاک
۶۰	۱۰۲	النور	۳۲	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	جواز پیش قدم شدن هریک از طرفین ازدواج، همسر دادن زنان بیوه، شرط ازدواج، داشتن صلاحیت
۶۱	۱۰۵	المجادله	۲	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	لغو قانونظهار
۶۲	۱۰۵	المجادله	۳	مکی بن ابیطالب گفته است؛ مکی است	محدودیت مرد در مقابل گفتار خود به همسر
۶۳	۱۰۷	التحریم	۳	قول ضعیفی می‌گوید مکی است	مطلوب بودن رازداری زن
۶۴	۱۰۹	التغابن	۱۴	به ابن عباس نسبت داده‌اند که مکی است	دشمن بودن بعضی همسران
۶۵	۱۱۲	المأئده	۵	ابن حزم گفته است که مکی است	اصل ایمان و پاک‌دامنی در انتخاب همسر، دادن مهریه به خود زن، پرداخت اجرت به زن به‌خاطر ازدواج، ممنوع بودن برقراری روابط نامشروع حتی با غیرمسلمان
۶۶	۱۱۲	المأئده	۶	ابن حزم گفته است که مکی است	بیان کفایت تیمم از غسل پس از نزدیکی با زنان
۶۷	۱۱۳	البرائة (توبه)	۲۴	ابن حزم گفته است که مکی است	بیشتر بودن محبت به خدا نسبت به همسر

### ۳-۲. تحلیل آیات مدنی

در اولین آیه از آیات مدنی براساس سیر نزول، اولین سیاست حمایتی، به صنعت تشبیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ» اشاره دارد (بقره: ۱۸۷)؛ یعنی زن به شوهر و شوهر به همسر خود با احترام خاص، آبرو می‌دهند چنان‌که لباس برای پوشش و آرامش و حفظ زیبایی بدن است. همسران مانند لباس، عیوب یکدیگر را می‌پوشانند و با اشباع غریزه شهوت که خود مایه بی‌نیازی است، می‌توانند عفت یکدیگر را حفظ کنند؛ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این دو جمله از قبیل استعاره است، چون هریک از زن و شوهر طرف دیگری، خود را از رفتن به دنبال فسق و اشاعه آن در بین افراد بازمی‌دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق. ۶۴/۲). در آیه مذکور برای رابطه میان همسران از دو واژه رفت و مباحثه استفاده شده که هر دو کنایی است و دلالت مستقیم بر رابطه جنسی ندارد. هدف نهایی بیان چنین احکامی براساس سیاق کلمات، تقوای الهی مطرح شده است.

در دومین آیه از آیات مدنی در انتخاب همسر، به ایمان، اصالت داده شده است (ر.ک.، بقره: ۲۲۱) و در سومین قسمت از آیات مدنی در باب نزدیکی با همسر، قائل به حدود مرز بوده و اشاره می‌کند: «اکنون که او در ناراحتی است، شما کام‌گیری نکنید». از این رو، اگر زنان با وجود مانع شرعی (مانند حیض) ترک زناشویی کنند، ناشز نیستند و حق نفقه برای ایشان باقی است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۲/۳۱۴). شاید به این دلیل است که زن در ایام عادت حیض از نظر جسمی، آمادگی آمیزش جنسی ندارد و آمیزش جنسی باید همراه با رعایت بهداشت باشد و باید احکام الهی در آن مراعات شود (ر.ک.، بقره: ۲۲۲). در ادامه با صنعت تشبیه به همسر شایسته اشاره می‌کند که مانند مزرعه مناسب است و سلامت بذر، شرط تولید بهتر که در نهایت به طهارت نسل منجر می‌شود: «بَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ».

در آمیزش، مرد باید به سراغ زن برود. (ر.ک.، بقره: ۲۲۳) در این آیه، رابطه دو زوج توصیف می‌شود، همسران را مزرعه شوهران می‌دانند و قرآن، عمل زناشویی را با فرزندآوری پیوند زده است و به نقش دو طرف در این امر توجه می‌دهد؛ اگرچه نقش مرد را فعال‌تر بازنمایی می‌کند. آیه با استفاده از تشبیه از بیان مستقیم این امر پرهیز کرده است. پس از پاسخ مختصر، بلافاصله جریان بحث را به آخرت و تقوای الهی و ملاقات با خدا سوق می‌دهد

دهقان، ۱۳۹۴، ۱۶۷) که نشان از پیوستگی شبکه‌ای براساس غرض مشترک یعنی، رسیدن به تقواست. در آیه بعد به جای دعوت به طلاق، بازگشت به زندگی را رمز دریافت مغفرت و رحمت خداوند می‌داند (رک، بقره: ۲۲۶). با پذیرش طلاق با همه تلخی‌ها و زشتی‌هایش، بلا تکلیف گذاشتن همسر را نمی‌پذیرد و اشاره می‌کند: «اگرچه تصمیم طلاق با مرد است در عین حال به مراعات حال زن توصیه کرده است و از هواپرستی و تصمیمی که زندگی زن را تباه می‌کند، پرهیز داده است» (بقره: ۲۲۷).

سپس می‌گوید که زن به محض طلاق، حق ازدواج با دیگری را ندارد. همچنین اولویت در ادامه زندگی با شوهر اول است: «بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ» و حسن نیت در رجوع، یک اصل است. مبدا شوهر فقط به خاطر مسائل جنسی رجوع کند و دوباره بی تفاوت شود. از این رو در برخورد با زن باید عدالت مراعات شود. از همسر مطلقه خواسته می‌شود اگر به خدا و قیامت ایمان دارند بارداری خود را پنهان نکنند. در زمان عده، شوهران این زنان برای بازگرداندن آن، سزاوارتر دانسته شده‌اند به شرط اینکه قصد اصلاح داشته باشد (رک، بقره: ۲۲۸). از این رو، ضرررسانی به همسر ممنوع است: «فَأَسَاكُ بِمَعْرُوفٍ». این آیه توصیه می‌کند که در همسر داری باید تلخی جدایی را با شیرینی هدیه و احسان جبران کرد: «أَوْ تَشْرِیْحٍ بِإِحْسَانٍ». در صورت ضرورت طلاق، نیکی و احسان شرط اساسی است. مرد حق ندارد از مهریه زن که حق قطعی او است چیزی را پس بگیرد. طرح طلاق خلع برای آن است که زن بتواند خود را از بن بست خارج کند: «أَفْتَدَتْ بِهِ». اسلام با ادامه زندگی به صورت تحمیلی و با اجبار و اکراه موافق نیست. اگر زن به اندازه‌ای در فشار است که حاضر است مهریه خود را ببخشد تا رها شود اسلام راه را برای وی باز گذاشته است (رک، بقره: ۲۲۹).

در آیه ۲۳۰ سوره بقره نیز به احکام طلاق اشاره شده است. مردان نباید از اختیارات خود سوء استفاده کنند و باید بدانند که اختیار آنها برای طلاق محدود است. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طلاق را سبک نگیرید و به زنان ضرر نرسانید» (طبرسی، ۱۳۹۵): «فَلَا حَلْلَ لَهُ». مسلمانان بدانند که حدود الهی تنها در نماز، زکات، حج و جهاد نیست و مراعات مسائل خانوادگی نیز از حدود الهی است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ». در این آیه تصریح می‌شود که پس از طلاق سوم، زن برای شوهر حرام می‌شود تا اینکه با مرد دیگری ازدواج کند. اگر این

مرد، زن را طلاق دهد زن و شوهر سابق می‌توانند دوباره ازدواج کنند البته اگر بتوانند حدود الهی را رعایت کنند. در این آیه نیز بر حدود الهی بودن این احکام تأکید می‌شود. در آیه ۲۳۱ به مردان امر می‌کند که بعد از طلاق همسران و پایان عده یا با نیکی، آنها را نگه‌دارند و یا با نیکی، آنها را آزاد کنند.

در این آیه از قرآن از اینکه مردان برای ضررزدن به زنان، آنها را نزد خود نگه‌دارند، نهی شده است و دعوت به تقوا فراز پایانی این آیه است. در آیه بعدی نیز از منع ازدواج زنان با شوهران سابق خود نهی می‌شود. براساس قاعده تسهیل در امور زنان، رأی زن مطلقه در انتخاب شوهر را محترم دانسته شده است و در ازدواج مجدد، اجازه از دیگری لازم نیست: «فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ». شرط اصلی ازدواج را نیز رضایت طرفین می‌داند: «تَرَاصُوا بَيْنَهُمْ»، برکات ازدواج مجدد و بازگشت به همسر اول و همچنین مفاسد طلاق و بی‌همسری را فوق درک بشر دانسته است (ر.ک.، بقره: ۲۳۲)، سپس اشاره کرده است به توجه زن و شوهر درباره مشورت در امور نوزاد: «تَشَاوِرِ» و از شیرگرفتن کودک را نیازمند مشورت و توافق والدین دانسته است: «لَا تُضَارُّوْا الْوَالِدَةَ بِوَلَدِهَا» (ر.ک.، بقره: ۲۳۳).

بار دیگر اهمیت و جایگاه نظر و حق انتخاب زن را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید که زن به مجرد فوت شوهرش، حق ازدواج با دیگری را ندارد و بستگان شوهر نیز حق دخالت در تصمیمات زنان بیوه را ندارند. (ر.ک.، بقره: ۲۳۴) همچنین توجه به حالات زن را یک اصل می‌داند. از این رو خواستگاری زن داغدار را در ایام عده، نوعی بی‌ادبی یا بی‌سلیقگی و نوعی گستاخی می‌داند (ر.ک.، بقره: ۲۳۵) و در حالات طلاق تصریح می‌کند که طلاق دادن باید در فضای خیرخواهی و نیکی باشد. عفت کلام، یک ارزش است. به جای تصریح به مسائل زناشویی، خداوند می‌فرماید: «مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ» و تعیین و پرداخت مهریه بر مرد واجب است: «تَفَرِّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً».

طلاق نوعی فشار روحی برای زن است که با احسان و هدیه‌ای شایسته باید جبران شود. عقد ازدواج، قداست و احترام دارد. با اینکه آمیزشی صورت نگرفته است، ولی اجرای صیغه عقد به زن حق می‌دهد تا هنگام جدایی، هدیه‌ای مناسب دریافت کند: «مَتَّعُوهُنَّ». همچنین احترام به شئون اجتماعی همسر لازم است: «مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ» و کلمه متاع نشانه



آن است که هدیه، جنس باشد. همچنین هدیه‌ای که شوهر به همسر می‌دهد آن را بار تحمیلی نپندارد؛ زیرا نوعی حق زن بر مرد است: «حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۲۳۶). در سوره احزاب نیز آیاتی درباره حکم زنانی که پیش از نزدیکی، طلاق داده می‌شوند، آمده است. در این سوره برای گفت‌وگو درباره مسائل زناشویی خانواده به عفت کلام توصیه شده است: «مَسْوُوهٌ». این آیه، تعیین و پرداخت مهریه بر مرد را واجب دانسته است: «فَرِيضَةٌ» و عفو و گذشت از سوی زن و مرد را پسندیده است. کسانی را که بخشش دارند به تقوا نزدیک تر می‌داند. طلاق باید همراه با عفو و فضل باشد. مسائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی نباید در طلاق فراموش شود: «وَلَا تَتَسَوَّأَ الْفُضْلَ بَيْنَكُمْ» (بقره: ۲۳۷).

در آیه بعد آمده است که مردان، بخشی از مال خود را برای همسرانشان وصیت کنند. این امر بدان معناست که آینده زنان بیوه باید تأمین شود و هرگونه تصمیم زن در انتخاب شوهر مجدد، باید عاقلانه و مشروع و با احراز مصلحت باشد (ر.ک.، بقره: ۲۴۰)، سپس به زنانی توجه می‌کند که زمان عقد، مهریه آنها مشخص نشده است و قبل از آمیزش، طلاق داده می‌شوند. همچنین سفارشی عاطفی و اخلاقی برای تمام موارد طلاق است که علاوه بر پرداخت تمام یا نصف مهریه، هدیه‌ای جداگانه برای جبران ناراحتی‌های زن از سوی شوهر به او پرداخت شود. از این رو، در برخورد با زنان مطلقه، تقوا را لازم دانسته است: «وَلِلْمُطَلَّقاتِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲۴۱). در جاهلیت رسم بود وقتی مرد از دست همسرش به خشم می‌آمد، می‌گفت: «پشت تو چون پشت مادرم است» و این عمل را ظاهر می‌نامیدند. اسلام از باب حمایت از زنان، آن طلاق را لغو کرد (ر.ک.، احزاب: ۴). در ادامه می‌فرماید:

زن آزاد است، می‌تواند با زندگی ساده، ولی همراه با سعادت بماند و می‌تواند راه دیگری را انتخاب کند. اگر زنی زندگی ساده و سالم را تحمل نکرد با رعایت عدالت و انصاف طلاقش دهید و به ادامه زندگی مجبورش نکنید. اگر مجبور به طلاق شدید راه جدایی را با نیکویی و عدالت طی کنید. (احزاب: ۲۸)

سپس به حسن بودن ساده‌زیستی و نیکوکاری زن اشاره می‌کند: «خداوند ساده‌زیستی را برای خانواده رهبران دینی، امری نیک و حسن می‌داند» (احزاب: ۲۹). همچنین به وظیفه سنگین همسران پیامبر ﷺ به عنوان زنان مسئولین اشاره می‌کند و می‌فرماید: «همسری پیامبر ﷺ



مستلزم عصمت نیست؛ کسانی که چهره دینی و اجتماعی دارند اگر گناه کنند کیفرشان بیش از دیگران است» (احزاب: ۳۰).

هرگاه همسری نزد شما شکایت کرد به سرعت پیشنهاد جدایی ندهید: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ»؛ زیرا اسلام طرفدار تحکیم بنیاد خانواده است. عبارت وَظَرًا بَدِينٍ معناست که مسائل زناشویی را با کنایه بگویید. همچنین زنان بیوه، محترم هستند و ازدواج با آنها کسر شأن نیست: «زَوْجَانِكُمْ» (احزاب: ۳۷). حکم زانی که پیش از نزدیکی، طلاق داده می‌شوند، آمده است. قرآن برای آنها عده‌ای لازم ندانسته است و تنها مردان را به دادن هدیه و آزادگذاشتن آنها امر می‌کند. همچنین عده، حق مرد بر زن است تا اگر خواست، رجوع کند، اما در طلاق قبل از تماس، مرد حق رجوع ندارد: «فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ» در طلاق پس از عقد، روحیه زن خرد می‌شود که با پرداخت مهریه‌ای مناسب، بخشی از آن جبران می‌شود: «فَتَعَوَّهْنَ». در نهایت، می‌فرماید: «سَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛ جدایی و طلاق به معنای کینه و خشونت نیست» (احزاب: ۴۹).

آیه بعد به وجوب پرداخت مهر به عنوان حق مالی زن اشاره می‌کند و تعیین مهریه را برای زن لازم و پرداخت آن از سوی مرد را واجب می‌داند: «آتَيْتُ أَجُورَهُنَّ». همچنین می‌فرماید: «غرایز جنسی را جدی بگیرید، حتی کنیزان باید کامیاب باشند»؛ «مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ». تعیین ازدواج با زنان را از روی هوس قرار نداده است بلکه تعیین زانی که می‌توان با آنان ازدواج کرد از سوی خداوند است: «فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ» (احزاب: ۵۰). آیه بعد به رضایت همسر (در هر حالت از زندگی) اشاره می‌کند: «تَقَرَّرَ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَنَّ وَيَرْضَيْنَّ؛ چشم همسر به دو چیز روشن می‌شود: یکی نداشتن غم و دیگری رضایت قلبی». جلب رضایت صد درصد چند همسر، محال عادی و عقلی است، ولی باید چنان برنامه‌ریزی کرد که به این امر نزدیک باشد: «أَذْنَىٰ أَنْ يَرْضَيْنَّ». مرد باید در صد درصد رضی کردن تمام همسران خود باشد: «كُلَّهُنَّ». همچنین احکام الهی برای برقراری عدالت و حفظ حقوق خانواده است اگرچه در دل‌ها توقع چیز دیگری باشد (رک. احزاب: ۵۱).

این آیه، تعدد همسر برای پیامبر ﷺ را محدود می‌داند: «لَا يَحِلُّ مِنْ بَعْدُ». در بعد حمایتی دیگری از زنان می‌گوید: «خداوند مراقب کسانی است که به خاطر زیبایی، زنی را جایگزین همسر



اول خود می‌کنند» (احزاب: ۵۲)، سپس از باب حمایت مادی و معنوی، نیازگریزی و عاطفی زن را با فرمان «تتحکوهن» و نیاز مالی او را با فرمان «أَجُورَهُنَّ» تأمین می‌کند (رک.، ممتحنه: ۱۰). توصیه قرآن در صورت ترس از عدم اجرای عدالت، اکتفا به یک همسر است. از این رو، در انتخاب همسر، تمایل قلبی را یک اصل می‌داند: «طَابَ لَكُمْ». در عین حال اشاره می‌کند که اسلام با تعدد همسر برای مرد با شرایطی موافق است و تعدد زوجات را هم محدود به چهار همسر می‌کند و هم مشروط به مراعات عدالت می‌داند: «فَإِنْ خِفْتُمْ فَوَاحِدَةً» (نساء: ۳). در آیه بعد، پرداخت مهریه به زن را حق او و الزامی می‌داند: «وَأَتُوا النِّسَاءَ» و می‌فرماید: «صَدَقَاتِهِنَّ» یعنی، مهریه نشانه صداقت مرد در علاقه به همسر است». همچنین مهریه، بهای زن نیست بلکه هدیه مرد به همسرش است: «نِحْلَةً» (نساء: ۴). در آیه بعد می‌فرماید: «عرب جاهلی، زنان و کودکان را از ارث محروم می‌کرد، ولی اسلام برای هریک از فرزند و همسر، متناسب با نیازهای آنها سهم الارث قرار داد» (نساء: ۱۱). در این سوره، ارث همسران در صورت فوت شوهر در فرض وجود فرزند، یک هشتم و در غیر آن، یک چهارم است، سپس به حقوق اقوام زنی اشاره می‌کند که پدر و مادر و فرزند نداشته باشد (رک.، نساء: ۱۲). در آیه دیگر به مردان توصیه می‌کند که با همسران خود به نیکی رفتار کنند. بازپس گرفتن مهریه با زور و اجبار، حرام است و تنها زمانی که زن در معرض بی‌عفتی باشد مرد حق سخت‌گیری دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۴/۲۵۵).

قرآن در خطاب به شوهران می‌گوید که اگر همسرانتان پسند شما نیستند چه بسیار اموری که شما آنها را ناپسند می‌دارید، ولی خدا خیر بسیاری در آن قرار داده است. از این رو، مردان را به رفتار نیکو با آنها ترغیب می‌کند و حل مشکلات خانواده بهتر از جدایی و طلاق است: «فِيهِ خَيْرٌ كَثِيرًا» (نساء: ۱۹). در ادامه بحث حقوق مالی زن، برای تعیین مهریه زیاد مانعی قرار نمی‌دهد اگرچه به مهریه کم سفارش شده است: «آتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا». زن، حق مالکیت دارد و مهریه، بی‌کم و کاست باید به او تحویل شود و ازدواج مجدد از نظر اسلام مجاز است: «اِشْتَبَدَّالْ زَوْجِ مَكَانَ زَوْجٍ». در عین حال، ازدواج دوم را به قیمت ضایع کردن حق همسر اول منع می‌کند: «فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» (نساء: ۲۰).

در نهی از منکر بعضی مردان، از عواطف انسانی بهره گرفته است و می‌فرماید: «شما که مدت‌ها با همسر خود روابط کامل داشته و کامیاب شده‌اید چرا اکنون مهریه او را به ناحق پس

می‌گیرید. هنگام ناراحتی‌های زندگی به یاد لذت‌های قبل باشیم: (قَدْ أَفْضَى). عقد ازدواج، یک میثاق محکم است: «مِيثَاقًا غَلِيظًا». پس گرفتن مهریه، پیمان شکنی است (ر.ک.، نساء: ۲۱). در آیات بعد اشاره می‌کند: «برای ازدواج نباید سراغ زنان شوهردار رفت»: «وَالْمُحْصَنَاتُ» و مهریه زن باید پرداخت شود. همچنین در مهریه، رضایت طرفین شرط است: «فِيمَا تَرْضَيْنَهُنَّ». بعد از پایان مدت در ازدواج موقت می‌توان مدت یا مهریه را با رضایت طرفین تمدید یا اضافه کرد (ر.ک.، نساء: ۲۴). ایمان، شرط اساسی هر ازدواجی است. ایمان ظاهری برای ازدواج کافی است: «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ» (نساء: ۲۵).

در آیه ۳۴ سوره نساء قنوت و نگهداری باتوجه به سیاق آن در ارتباط با شوهر و در حوزه مسائل خانوادگی تفسیر شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴/۳۴۴) این آیه در بعد حقوقی روابط زناشویی، مرد را در موضع بالاتری قرار می‌دهد، اما در ادامه آیه شوهران از تعدی به زنان در صورت اطاعت آنها برحذر داشته شده‌اند. در سوره نساء مسئله شقاق بین زن و شوهر آمده است. در شقاق، دوطرف ناسازگاری دارند و پای داورانی از خویشاوندان طرفین به خانواده بازمی‌شود. زن و شوهر، یک روح در دو پیکرند. از این رو، کلمه «شقاق» درجایی به کار می‌رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود. همچنین اقدام برای اصلاح میان زن و شوهر باید سریع باشد. حرف فاء در جمله «فَأَبْعُثُوا» برای تسریع است، پس جامعه در برابر اختلافات خانواده‌ها مسئولیت دارد، ولی بستگان در رفع اختلاف خانوادگی مسئولیت بیشتری دارند: «مِنْ أَهْلِهِ مِنْ أَهْلِهَا». یکی دیگر از بحث‌های حمایتی از زنان، تساوی زن و مرد در انتخاب داور است؛ یعنی هر دو حق یکسان دارند: «حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا» (نساء: ۳۵)، سپس به بیان کفایت تیمم از غسل پس از نزدیکی با زنان در هنگام نبود آب اشاره می‌کند تا با این رویکرد تسهیلی امر مباشرت را آسان کند. همچنین برای رابطه جنسی از واژه کنایه‌آمیز «لَا مَسْتَمٌ» استفاده شده است (ر.ک.، نساء: ۴۳).

مسئله نشوز شوهر نیز در سوره نساء مطرح شده است. اگر زن، ترس سرپیچی شوهر از وظایف زناشویی یا اعراض او را داشته باشد، می‌تواند با شوهر مصالحه کند. در اینجا زن از برخی حقوق خود مانند نفقه و حق جنسی می‌گذرد تا با جلب نظر و محبت و انس مرد، او را به زندگی زناشویی بازگرداند و از تصمیم جدایی برگرداند. در پایان آیه خطاب به مردان،



آنها را به رفتار نیکو و تقوا دعوت و آگاهی خداوند از اعمال انسان را یادآوری می‌کند. از این رو، بهره همسر از همسر، حقی قابل گذشت است و حکمی نیست که قابل تغییر نباشد. به دلیل حفظ خانواده باید از حق شخصی گذشت: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء: ۱۲۸)، پس بین راه حل نشوز زن و نشوز مرد در قرآن تفاوت آشکاری وجود دارد. راه حل نشوز زن، کنش کلامی و عینی است. کنش کلامی موعظه، مستلزم جایگاه بالاتری است که به موعظه‌کننده نسبت به موعظه‌شونده داده می‌شود. کنش عینی نیز شامل ترک بستر و زدن همسر است. در اولین کنش لازم است تا همسر بفهمد که شوهر او ناخشنود است و دومی کنش عینی متعددی است که تأثیر آن به صورت مستقیم به پیکر زن انتقال می‌یابد، اما راه حل نشوز مرد، گذشتن از حقوق برای جذب محبت است. زن، تنها با کنش ذهنی ارادی از حق خود می‌گذرد تا نتیجه این صرف نظر، جلب محبت شوهر باشد (دهقان، ۱۳۹۴).

در آیه ۱۲۹ سوره نساء آمده است که مردان حتی با وجود تلاش بسیار، نمی‌توانند بین چند زن عدالت کامل برقرار کنند؛ عدالتی که در بیانات اهل بیت علیهم‌السلام عدالت در محبت تفسیر شده است. (کلینی، ۱۳۸۸) همچنین شوهران را از گرایش به برخی همسران و به حال خود رها کردن همسران دیگر بر حذر داشته است. از این رو، بلا تکلیف گذاشتن زن، حرام است: «فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ». در آیه بعد در اسلام، برای خانواده بن بست نیست. اگر عفو، صلح و اجرای حدود و هشدارها کارساز نبود طلاق وجود دارد: «وَإِنْ يَتَفَرَّقَا». با پیدایش گره در زندگی نباید مأیوس شد بلکه مسیر را باید عوض کرد. گام اول، اصلاح و تقواست. گام آخر، جدایی و طلاق است که گاهی راهگشاست؛ زیرا چه بسا اختلافات خانوادگی به خودکشی و روابط نامشروع بیانجامد (ر.ک.، نساء: ۱۳۰). بر اساس قاعده نفی سبیل در این سوره در باب نکاح نیز زن مسلمان نمی‌تواند با کافر ازدواج کند؛ زیرا ازدواج گونه‌ای سلطه زوج بر زوجه است که این حدیث آن را نفی کرده است که نشان از وجود ارزشمند زن مسلمان در برابر کافر است (نساء: ۱۳۰).

در سوره رعد، ابتدا به ورود بهشتیان با همسران صالح‌شان به بهشت اشاره می‌کند (ر.ک.، رعد: ۲۳)، سپس به زندگی انبیا که دارای همسر و فرزند بوده‌اند اشاره می‌کند: «أَزْوَاجًا وَدُرِّيَّةً» (رعد: ۳۸). همچنین در روایات آمده است: «حَيْرَاتٌ حِسَانٌ»، زنان صالحه دنیا هستند که در قیامت زیباتر از حورالعین هستند. زنان بهشتی هم نیکو سیرتند و هم نیکو صورت

(رک..رحمن: ۷۰). همچنین برای داشتن زندگی مطلوب زوجین کنار یکدیگر اشاره می‌کند راه‌های منت‌گذاردن و منت‌کشیدن را مسدود کنید. برای اینکه شوهر منت نگذارد و زن منت نکشد خدا می‌فرماید: «مَنْ يُؤْتِهِنَّ»؛ یعنی خانه خودش است. از این رو، رجوع مرد به همسری که طلاق داده است مزایایی بر ازدواج مجدد دارد (طلاق: ۱). گواهی دو شاهد عادل بر طلاق، منافی دارد. از جمله آنکه دو شاهد عادل، به خاطر عدالت و محبوبیتی که دارند به طور طبیعی با موعظه سعی می‌کنند به جای طلاق، طرفین را به آشتی ترغیب کنند (رک.. طلاق: ۲). زن و شوهری که به ناچار با طلاق از هم جدا می‌شوند اگر تقوا را مراعات کنند مشمول لطف ویژه خداوند می‌شوند و کسانی که با گناه، زندگی خود را تأمین می‌کنند راه دریافت روزی‌های پیش‌بینی‌نشده را به روی خود می‌بندند. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۳)؛ یعنی هیچ حمایتی از جانب خدا برای آنها محقق نخواهد شد.

در مسائل خانوادگی و مراعات حقوق همسر به ویژه در شرایط طلاق و جدایی به تقوای زیاد نیاز است. نجات از بلا تکلیفی زنانی که بر اساس شرایطی، باید عده نگه دارند. (رک.. طلاق: ۴) در مسائل خانوادگی، نباید دستورات الهی را ساده گرفت: «ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ» (طلاق: ۵). در انتخاب مسکن باید به سکینه و آرامش زن توجه شود نه آنکه فقط سرپناه داشته باشد: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» (طلاق: ۶). همچنین ملاک در میزان هزینه زندگی، توان مالی مرد است نه تنگ‌نظری‌های مرد و یا خواسته‌ها یا آرزوهای زن: «ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ» که نشان از توجه و حمایت نسبت به حقوق زن به عنوان همسر است. شرط نفقه نیز دوست داشتن همسر نیست و زن طلاق داده شده نیز تا مدتی واجب‌النفقه است: «ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ» (طلاق: ۷). در راستای همین حمایت‌ها، تهمت زدن به زنان همسر دار و پاکدامن را از نظر اخلاقی دارای کیفر سخت می‌داند: «الْمُحْصَنَاتِ» (نور: ۴). در اثبات زنا، همسر، چهار سوگند و یک لعنت به جای چهار شاهد پذیرفته است (رک.. نور: ۶).

با اجرای لعان و سوگند خوردن زن و شوهر و گفتن جمله‌های ذکر شده، اسلام قوانینی را در نظر گرفته است که باید به آنها عمل شود. خداوند با فضل و رحمت خود با این گونه احکام، مانع رسوایی افراد شده است (رک.. نور: ۷) و عذاب (سنگسار) را از آن زن دفع می‌کند؛ اینکه او (در مقام دفاع) چهار بار به خدا قسم بخورد شوهرش (در این نسبتی که به



او می‌دهد) از دروغگویان است (ر.ک... نور: ۸) و مرتبه پنجم (بگوید): غضب خدا بر او باد اگر شوهرش از راستگویان باشد. از این رو اجرای قوانین و دستورات خداوند به نفع خود مردم است (ر.ک... نور: ۹). از نظر همسری، زنان بدکار و ناپاک، شایسته مردانی بدین وصف هستند و زنان پاکیزه، لایق مردانی چنین و این پاکیزگان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنها گویند، منزّه هستند و برایشان آموزش و رزق نیکوست (ر.ک... نور: ۲۶). در آیه بعد با اشاره به اینکه صلاحیت، شرط ازدواج است خواستگاری را از طرف خاصی نمی‌داند. همچنین به حقوق زنان بیوه اشاره می‌کند و می‌گوید: «زنان بیوه را همسر دهید»: ((نور: ۳۲)، سپس قانون ظهار را لغو و برای ارتکاب آن جریمه سنگین تعیین می‌کند (ر.ک... مجادله: ۲). در راستای حمایت اخلاقی اشاره می‌کند که هر سخن و کلامی را نمی‌توان به همسر گفت. بعضی کلمات، کفاره سنگین دارد. از این رو، مردان در مقابل گفتار خود نیز مسئولیت دارند (ر.ک... مجادله: ۳).

بعد از آن به رازداری همسر اشاره می‌کند که زن باید رازدار باشد تا همسرش بتواند اسرارش را به او بگوید: «وَإِذْ أَسْرَأْتَنِيَّ إِلَى بَعْضِ أَرْوَاجِهِ» (تحریم: ۳). در آیه بعد به برخی از همسران مؤمنان اشاره می‌کند که دشمنان آنها شمرده شده‌اند و می‌گوید که باید از آنها برحذر باشند و در این راه تنها بعضی از همسران و فرزندان، مانع در راه ایمان به خدا هستند نه همه: «مِنْ أَرْوَاجِكُمْ»؛ «در مسیر خطاپوشی تا آخرین مرحله پیش‌روید، ببخشید، سرزنش نکنید و به یاد خودتان هم نیاورید: «تَعَفُّوا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَعْفَرُوا» (تغابن: ۱۴) که بالاترین نوع بخشش همین صفح به معنی ترک ملامت و سرزنش است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۳۸/۲۶۲).

در انتخاب همسر به اصل ایمان و پاکدامنی توجه شود: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ». مهریه را باید به خود زن داد: «آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ»: پرداخت اجرت به زن باید به خاطر ازدواج باشد نه به خاطر زنا و برقراری روابط نامشروع و پنهانی که حتی با غیرمسلمان هم ممنوع است. «وَلَا تُتَّخَذِ الْاُحْدَانُ»: در این آیه هشدار می‌دهد که مواظب باشید، روابط اقتصادی و خانوادگی، اعتقاد شما را عوض نکند و به خاطر رسیدن به همسر، ایمانتان را از دست ندهید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ» (مانده: ۵)، سپس به بیان حکم تسهیلی کفایت تیمم از غسل پس از نزدیکی با زنان (در صورت فقدان یا ضرر آب) اشاره می‌کند. همچنین به صورت غیر صریح، برای رابطه جنسی از واژه کنایه آمیز «لَا مَسْتَم» استفاده شده است (ر.ک... مائده: ۶)؛ در نهایت در

پایانی‌ترین آیه از آیات مکی، تصریح شده است که محبت نسبت به همسر نباید بیشتر از محبت به خدا، رسول و جهاد در راه او باشد (ر.ک.، توبه: ۲۴).

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به اینکه سوره‌های مکی ۵۶ آیه و آیات سوره‌های مدنی ۶۷ آیه است این دو نسبت نشان می‌دهد که ذکر بیشتر آداب همسری تا حدی تابع سهم بیشتر سوره‌های مدنی است و به نظر می‌رسد که قرآن در راستای اهداف خود در مدینه بیشتر به سیاست همسری پرداخته است و باتوجه به اینکه بیشتر احکام در آیات مدنی بیان شده‌اند و بیشتر حوادثی که در قرآن ذکر شده‌اند نیز مربوط به دوره پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه است، می‌توان درصد ذکر بیشترین سیاست را در آیات مدنی توجیه کرد. بیشترین اشاره قرآن به زنان در آداب همسری به صورت إمرأة (زن)، نساء (زنان) و زوج (همسر، جفت) بوده است. این نامیدن خاص همراه با احترام، محدود به آن فضا یعنی، زمان نزول قرآن است. از این رو، براساس قواعد کلی اخلاقی، هنگام خطاب قرار دادن، باید محترمانه ایشان را مورد خطاب قرار داد. همچنین در قرآن سی و هشت مرتبه کلمه معروف به کاررفته است که پانزده مرتبه آن مربوط به خانواده و همسر داری است؛ یعنی شیوه برخورد زن و مرد در زندگی باید شایسته و پسندیده باشد.

با مروری بر سیر جست‌وجو در پیوستگی‌های آیات، اولین توجه به زوجیت و قرین شدن جان‌ها با یکدیگر اشاره دارد؛ زیرا پیدایش زوجیت به عنوان موضوع مشترک با مضامین یکسان در آیات اولیه مکی براساس نظرات اندیشمندان موجب سلامتی جسمی، روحی و جنسی زن و مرد خواهد بود و ۱۲ بار در آیات مکی به آن اشاره شده بود. گاهی هم بعد از ذکر پیدایش زوجیت از آن به عنوان نعمت یاد می‌کرد. همچنین در فراز پایانی تأکید می‌کند که همسر باید عامل آرامش باشد و نه مایه تشنج و اضطراب. از این رو، باتوجه به غرض مشترک آیات مکی می‌توان نتیجه گرفت که زندگی هم‌باشی یا ازدواج سفید مورد نظر اسلام نبوده است؛ زیرا آزادی جنسی را به دنبال دارد که جز اضطراب، امر دیگری در پی نخواهد داشت. همچنین اولین بحث از آیات مدنی با استفاده از صنعت تشبیه اشاره می‌کند که همسران



مانند لباس، عیوب یکدیگر را می پوشانند و مایه زینت و زیبایی همدیگر هستند. از این رو، با اشباع غریزه شهوت که خود مایه بی نیازی است، می توانند عفت یکدیگر را حفظ کنند. فراز پایانی با رعایت مشابَهت مفهومی و همسانی در مصداق، تغییر جهت بحث از رابطه جنسی به سوی بازگشت به خدا و مسائل معنوی و نشان از چندجانبه بودن حقوق زن است. بنابراین، فقط توجه به زوجیت و تشکیل زندگی کافی نیست بلکه انجام رفتارهایی برای ثبات این محبت، مودت و رحمت وعده داده شده به صورت پلکانی باقی است که زوجین با کمک یکدیگر باید طی کنند. بر همین اساس در آیات مدنی، احکام فقهی و نیز احکام ویژه همسران از جمله نگاه قرآن در زندگی زوجین و حتی در آیات طلاق بر اساس اصلاح اشتباهات گذشته و بر اساس آیات احسان است و درجایی مطرح می شود که زوجین تمایل و رغبتی به جدایی از یکدیگر ندارند و در آیه «ولا تضاروهن و لا تضیق» که اشاره به نحوه اصلاح و بازپروری رفتار زوجین با یکدیگر دارد و رعایت تقوا را یک اصل می دانست، منعکس شده است. در نهایت چندین بار نیز مراعات مسائل خانوادگی را از حدود الهی می داند، اما با توجه به تأکید چندین باره درباره مسئولیت حقوقی مردان در امر طلاق در ارائه راهکار می توان به جای پیگیری تسهیلات برای زنان مطلقه به سمت ارائه تسهیلات به زنان خانه دار بود تا در استحکام خانواده به رویکردی نوین دست یافت.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۶). مترجم: قرائتی، محسن. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۳). مهارت های بیان تفسیر سوره های قرآن. قم: مؤسسه التمهید.
۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ هـ.ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل. محقق: المرعشی، محمد عبدالرحمان. بیروت: دار احیاء التراث عربی.
۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل بیت لإحیاء التراث.
۴. خمینی، روح الله (۱۳۶۸). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. دهقان، مجید (۱۳۹۴). جنسیت و زبان قرآن. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۶. رامیار، محمود (۱۳۷۹). تاریخ قرآن. تهران: شرکت سهامی نشر اندیشه.
۷. سترگ، ظاهره (۱۳۹۶). حقوق معنوی زوجه و رابطه آن با مودت و رحمت. قم: نشر هاجر.
۸. شرنوتی لبنانی، سعید الخوری (۱۴۰۳ هـ.ق). اقرب. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ هـ.ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. محقق: کوچه باغی، میرزا حسن. تهران: منشورات اعلمی.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ هـ.ق). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، سید باقر. قم: نشر جامعه مدرسین.



۱۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۹۵). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۲. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۸۶). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی. محقق: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۳). تناسب آیات. مترجم: مولایی نیا، عزت‌الله. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۱۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). تاریخ القرآن. تهران: سمت.
۱۶. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶). التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۱۷. مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲). آفاق تفسیر. مقالات و مقولاتی در تفسیرپژوهی. تهران: هستی‌نما.
۱۸. میرحسینی،یحیی، و داوری، روح‌الله (۱۳۹۸). پیوستگی‌های خطی و شبکه‌ای آیات و سوره‌ها با مروری بر خاستگاه‌های آن. نشریه علوم قرآن و حدیث، ۱۰۲، ۲۴۷-۲۵۵.

